

## تحلیل مردم‌شناختی آب در باورها و مثل‌های عامیانه

مریم منصوری<sup>۱</sup>

### چکیده

عنصر آب از عوامل مهم حیات و ایجاد اجتماعات انسانی می‌باشد. تمدن‌های اولیه بر پایه وجود آب شکل گرفته است. طبیعتاً انسان‌ها بر مبنای پیشرفت‌های تاریخی احساسات مختلفی را نسبت به آب دارا بوده‌اند و می‌توان انعکاس آن برداشت‌ها را در فرهنگ جستجو کرد. ادبیات شفاهی مشتمل بر مثل‌ها و باورها که چکیده اندوخته و تجربیات ملت‌هاست می‌تواند آینه تمام‌نمای فرهنگ و اندیشه‌های جامعه باشد. تحقیق حاضر بر آن است تا با تکیه بر مثل‌ها و باورهای مرتبط با آب الگوهای فرهنگی حاکم بر جامعه ایرانی‌ها را استخراج کند.

**کلیدواژه‌ها:** آب، اسطوره، مثل، آناهیتا، باورهای مذهبی

### مقدمه

مقدس شمردن آب در ایران از دیرباز وجود داشته است، اعتقاد به وجود الهه آناهیتا خدای آب و وجود معابد آناهیتا همه نشانگر ارزش و احترام به آب در جامعه ایرانی آن دوران بود. تقدس آب در قرآن در آیه «و جعلنا من الماء کل شی حی»<sup>۱</sup> دیده می‌شود. هم‌چنین در فرهنگ این سرزمین کم‌آب، قصه‌ها و مثل‌های زیادی وجود دارد. علاوه بر خود آب، مراقبت از سقاخانه‌ها، قنوات، چشمه‌های وقف، منابع آب و... هم در فرهنگ ایرانی متجلی است.

می‌توان با شناخت جایگاه و نقش آب در تأمین نیازهای مادی و معنوی و شناخت تفکرات انسانی و سازمان‌هایی که جهت تأمین این نیازها ایجاد می‌کند به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دست یافت. اهمیت و ضرورت تحقیق در این است که بتوان به شناخت و درک نهادهای ارزشی، شناخت الگوهای فرهنگی حاکم بر مصرف آب، شناخت باورها و نگرش‌های مقدس نسبت به آب چه در زمان حال و چه در زمان گذشته، زمینه را برای ایجاد توسعه پایدار بخصوص در زمان کم‌آبی مهیا ساخت. برجسته‌سازی و احیای نگرش‌ها نسبت به آب کمک بزرگی در این باب خواهد بود که این نیز با نگاهی استقرایی نسبت به مثل‌ها و باورهای فرهنگی امکان‌پذیر می‌باشد.

به استناد نظریه مالینفسکی مبنی بر این که عادات، باورها، نهادها و افکار هر یک بخشی از فرهنگ را تشکیل می‌دهند و بررسی فرهنگ باید مبتنی بر شناخت کارکرد آنها باشد (فرید، ۱۳۸۰: ۱۲۵) به بررسی کارکردی باورها و مثل‌ها می‌پردازیم که به منزله اجزای تشکیل‌دهنده کل است و با عنایت به این که تحقق نیازها خود نیازمند توجه به فرهنگ مادی و هم معنوی است تأکید بر آن ضروری به نظر می‌رسد.

۱. و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم. (انبیا/ ۳۰)

## آب و اسطوره

وقتی عوامل اقلیمی خود را به انسان تحمیل می‌کنند از مرحله ناخودآگاه جمعی وارد خودآگاه جمعی می‌شوند. انسان‌ها در می‌یابند که عوامل طبیعی، خارج از دسترس و کنترل آنهاست و آنها قادر نیستند به سرما و گرما تسلط پیدا کنند و خود را با محکومیت همساز می‌کنند. در این محکومیت راجع به هستی فکر می‌کنند و اسطوره‌هایی پیرامون طبیعت می‌سازند. این ساخته‌ها از قومی به قوم دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است هرچند مشابهت‌هایی هم وجود دارد. مجموعه اساطیر و افسانه‌هایی که اختصاص به یک جامعه یا یک فرهنگ معین دارد بر حسب مکتب‌های مختلف مردم‌شناسی برداشت‌های متفاوتی از آن می‌شود. برای طرفداران مکتب تکامل اساطیر و افسانه‌ها شواهدی برای تحقیق و مطالعه خصوصیات نامشخص جوامع است. از نظر کارکردگراها، اساطیر برای حفظ اعتقادات بوده و به منظور ادامه نظم اجتماعی موجود و به عنوان دستورالعمل و سرمشق غیرمستقیم تحمیل می‌شد. (روح‌الامینی، ۱۳۷۷: ۱۸۱) در مستندات به جا مانده از هیچ ایزدبانویی به اندازه آنهایتا یاد نشده است بنابراین تحلیل این اسطوره از دیدگاه‌های متفاوت ارزشمند است، زیرا هدف انسان‌شناسی تحلیل، تفسیر و توصیف شوون گوناگون زندگی اجتماعی بشری است که تنها به توصیف نمی‌پردازد بلکه با مقایسه و ارزیابی می‌کوشد منشأ امور را دریابد. (فرید، پیشین: ۱۲) به منظور شناخت اسطوره‌های کهن اندکی به گذشته باز می‌گردیم.

اساطیر سومری و بابلی منشأ خلقت و آفرینش را از آب می‌دانند. بنا بر اسطوره‌های سومری در آغاز خلقت تنها الهه «نمو» یعنی آب‌های نخستین وجود داشت که پسر و دختری با نام‌های «آن» (الهه آسمان) و «کی» (الهه زمین) را پدید آورد، این دو در آغاز به هم چسبیده بودند و از مادر خود جدا نمی‌شدند ولی بعداً از مادر خود جدا شدند و با هم ازدواج کردند. حاصل این ازدواج «انلیل» (enlil)، الهه باد بود که با نیروی خارق‌العاده خود توانست پدر و مادر خود را از هم جدا کند، یکی را بالا برد که آسمان شد و دومی را گستراند که زمین شد. انلیل برای رهایی از تاریکی‌ها «نانا»، الهه ماه را به وجود آورد تا تاریکی‌ها را از زمین و آسمان بردارد، نانا پس از مدتی «اوتو» (الهه خورشید) را به وجود آورد تا مایه روشنایی زمین شود. پس از این وقایع، «انلیل» به کمک دیگر الهه‌ها بقیه مظاهر زندگی را به وجود آورد.

اما بابلیان بر این عقیده هستند که در آن هنگام که آسمان و زمین نبود، آب‌های نخستین با نام سه الهه «آبسو» (آب شیرین) «تعامه» (آب شور) و «ممو» (مه) وجود داشتند و آب نخستین که در آغاز خلقت همه جا را گرفته بود باعث به وجود آمدن دیگر الهه‌ها و موجودات گردید. (اخوان بهبهانی، ۱۳۸۱: ۴)

### آناهیتا



در ایران این اسطوره چشمه آب حیات است؛ مادر و پشتیبان مردم است و با عواملی که آب را حرمت نمی‌گذارند و باران را عزیز نمی‌دارند در نبرد و پیکار است، با دیوانی که آب‌انبارها و برکه‌ها را به خشکی می‌کشانند همواره در ستیز است.

ناهید، زهره، ونوس و ایشتار در اساطیر بیشتر (ولی نه همیشه) چهره‌ای زنانه دارد او زنی نیرومند، درخشان، بلندبالا، زیبا، پاک و آزاد توصیف شده است. در آبان یشت (فقرات ۶۴ و ۷۸ و ۷۹) برخی از این صفات ناهید مثل دین تعریف شده است. گویا این تمایل آدمیان است که ایزدان خود را درآمیخته

با عناصر مقدس متصور شوند بنابراین تعجبی ندارد که اسب‌های گردون آناهیتا ابر و باران و ژاله باشند یا همچنان که در حجاری‌های نقش رستم می‌بینیم همین ایزدبانو با لباسی که دارای چین‌های موازی و دراز و موجی شکل است تاج را به نرسی اهدا می‌کند. یکی از وظائف فروهر تأمین آب است و مردم می‌کوشند تا با انجام تشریفات و مراسم دینی به همراه نیکی و راستی و پارسایی آنها را خوشحال کنند تا مشمول خیر و برکت آنها گردند.

حتی متعلقات ایزدان برای ایرانی برکت به همراه دارد و به عبارتی کارکرد مانایی دارد، به آن حد که هر قطره باران مسافری آسمانی است که حال و هوای ایزدی دارد.

دنیای اساطیر دنیای رسیدن به آمل، آرزوها و تجلی آرمان‌هاست و ایزدان اساطیری قدرتمند و سخاوتمندانه عمل می‌کنند و راهگشای مریدان خود هستند. از دوران ساسانیان تصاویر زیادی از آن‌ها به دست آمده است. با وجود اعتقاد ایرانیان قدیم مبنی بر قداست آب و آتش و خاک این باور وجود دارد که در دوران پارتیان همه معابد ایرانی به ناهید تعلق داشته است. (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۱۱ و ۱۰) گل نیلوفر نماد دیگر آن‌هاست که بیشتر روی هنرهای دستی خودنمایی می‌کند.



آن‌ها مادر آب‌ها و مظهر زایش است. بدون شک مادر شدن در عین عادی بودن شگفت‌آور و فداکارانه است، حیات بخشیدن به قیمت قربانی شدن، از خود گذشتن و وقف کردن است. این اعمال خود عین تقدس است و شاید به همین علت است که نور را در کنار آب جستجو کرده و غالباً آن را می‌یابیم. بسیاری از اسطوره‌های ما نیز مانند آن‌ها پیرامون مسئله آب شکل گرفته و نبرد آنها ماجراها دارد و شاید این دعا و تمنای آدمیان است که در اساطیر ایرانی «تیشتر» منشأ باران در نبرد با «آپوش» دیو خشکسالی به قربانی دادن مردم و یاری آنان نیاز دارد و در نبردی که بین این دو در می‌گیرد، «اهورامزدا» با قربانی کردن به یاری او می‌شتابد. تیشتر که نیروی ده اسب را دارد پس از گرفتن قربانی نیروی ده شتر، ده گاو نر، ده کوه و ده رود را می‌یابد و بر «آپوش» پیروز می‌شود و باران دمه از دریای «فرخکرت» برمی‌خیزد. (اسدیان، ۱۳۵۸: ۳۹)

### باورهای مذهبی آب روان

آب روان در اذهان مردم ما جایگاه ارزشمندتری نسبت به آب راکد دارد. در کشور ما با توجه به خشکی منطقه و کمبود بارش که آب‌های روان کمتری را ایجاد می‌کند، نگرش متفاوتی پدید می‌آید. این مسئله در دین هم نمود مشخصی دارد. در آئین زرتشت، احترام به آب روان واجب است و بی‌حرمتی به آن حتی مجازات‌هایی را در پی دارد. در اوستا، داستان‌هایی را مبنی بر مجازات و شکنجه افرادی که به آب روان بی‌احترامی کرده‌اند می‌توان یافت.

در دین اسلام و کتاب قرآن نیز آب جایگاه ویژه‌ای دارد و در گذر زمان آداب و باورهایی در این باره شکل گرفته است.

هر باور به آیین و سنتی که پاسخگوی تاریخی نیازهای مادی و معیشتی قومی است راه دارد و مطالعه در این زمینه وسیله‌ای است برای شناخت فرهنگ مردمی که طی هزاران سال زندگی خود را با تلاش پیگیر شکل داده‌اند.

کشاورزی و نیاز به تولید کافی موجب پیدایی باورهای جدید در توجیه مسائل کشاورزی و پدیدار شدن مراسم باروری و باران‌سازی و مراسم طلب باران است. با گذشت زمان و گسترش یکجانشینی تمایزات اجتماعی پدیدار می‌گردد و با توسعه



روابط انسانی مبادلات آیینی میسر می‌گردد. ابزارهای مورد کاربرد انسان در این دوره تبر، کج‌پیل و وسایل ابتدایی دیگر است و به تناسب آنها و دگرگونی معیشتی است که شناخت انسان از خویش و جهان بر بنیاد اسطوره‌ها امکان‌پذیر می‌شود. (همان: ۴)

بستن آب بر روی یاران امام حسین

(ع) یکی از حوادث مهم تاریخی مذهبی ناجوانمردانه و غیراخلاقی بود. «عبارات سلام

بر لب تشنه‌ات یا حسین»، «سقای دشت کربلا»، «یا حسین تشنه لب» نمایانگر ارادت مردم به امام حسین (ع) و از جلوه‌های مذهبی آب در فرهنگ مردم است. منابع آب نذر و وقف شده و همچنین سقایی و آب رساندن به تشنگان بدون دریافت هیچگونه سود مادی در نذورات هم دیده می‌شود. فرزندان که نامشان عباس یا ابوالفضل است در لباس سفید سقایی به نیت سلامتی در دسته‌های عزاداری آب به دست مردم می‌دهند.

### محتوای مثل‌ها

ادبیات ما آینه تمام‌نمایی از مجموعه آداب، عادات، عقاید، رسوم، اندیشه‌ها، افکار و زبان و لهجه‌های گوناگون اقوام مختلف است. ویژگی‌ها، نبوغ و شوخ طبعی هر ملتی از مثل‌های آن پیداست. مثل‌ها، سخنان کوتاه و کلمات قصار حکیمانه پیشینیان است و جایگاه ویژه‌ای در زبان و ادبیات دارد. از ویژگی‌های مثل‌ها می‌توان به انتقال سریع کلام و وجود اشاره و رمز در کلام اشاره کرد. با تحلیل محتوای مثل‌ها، باورهای فرهنگی و به عبارتی عناصر ساختی فرهنگ هر جامعه هویدا می‌گردد. مثل در حقیقت نتیجه عقل یک جمع و نادره‌گویی یک فرد است. محتوای مثل‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

**الف- باورهای مذهبی:** در این دسته مثل‌ها واژه خدا، پیامبر (ص) و نام امامان برده شده و به نوعی عقیده و باورهای مذهبی حاکم بر آن نمودار است. مانند «یا علی غرقش کن من هم به جهنم» در این مثال «آب» واژه مستتر می‌باشد. یا لعن و نفرین مثل «آب خوش از گلو پایین نرفتن» یا «الهی حوضت آب نگیره» که ارزش وجود آب را می‌رساند. «مطهری را تطهیر دادن» که به قدرت پاک‌کنندگی آب اشاره دارد.

**ب- باورهای غیرمذهبی:** در برخی مثال‌ها عقاید غیرمذهبی منعکس است که شاید قبلاً از صافی مذهب گذشته‌اند، ریشه در تجارب فرهنگی و اجتماعی مردم دارند. این گونه مثل‌ها نقش آموزشی دارند.

مثل: «آبم، گاوم، نوبت آسیابم، زخم بزایید پسر»، کنایه از وفور نعمت پشت سر هم

است. همانگونه که دیده می‌شود اولین نعمت برخوردار از آب است که برکات دیگر را به دنبال داشته است.

«آب زور سر بالا میره»، کنایه از زور و قدرتی که می‌تواند مسیر جریانی را در جهتی غیرقابل انتظار تغییر دهد.

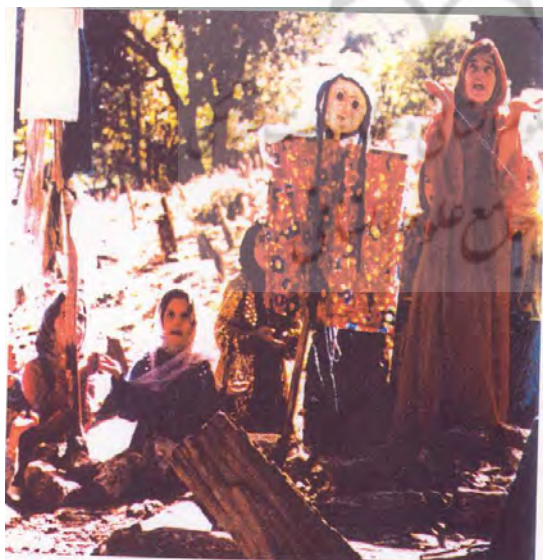
«آب نطلبیده مراده» آبی که بدون تقاضا برسد حاجت‌دهنده و خوش‌یمن است.  
«آب در خانه تلخ است» کنایه از بی‌ارزشی یک عنصر ارزشمند در جایگاه اصلی خود است.

«آب به کرت خاطر جمع می‌ره» یعنی آب به آن قسمت از زمین می‌رود که باید برود. گویا گذشتگان آب را هوشمند و ذی‌شعور می‌پنداشتند.

**پ- پزشکی - بهداشتی:** در این دسته مثل‌ها، بهداشت و دستورهای پزشکی و باورهای مربوط به آب هویداست. این دسته از مثل‌ها در رفع نیازهای بهداشتی کاربرد دارند.

«شربت بیمار آبه» یا «آب زیر پوستش رفته یا آب زیر پوستش افتاده».

**ت- آب و هواشناسی:** «پاییز بارانکی، زمستون برفکی، بهار شب ببار، روز ببار»، «یک ساعت بارون یک ساعت برف را آب می‌کنه»، «باران بهار سر خر بباره، دم خر خبر نداره» باران در جایی می‌بارد ولی در منطقه کنارش از باران خبری نیست و این خصوصیت باران بهاری است.



در این دسته از مثال‌ها، آموزش‌های مربوط به آب و هواشناسی دیده می‌شود. این دسته از مثل‌ها کاربرد آموزشی دارند. نکته دیگر این دسته از مثل‌ها، ارتباط انسان و محیط و شناخت انسان از طبیعت را پدیدار می‌کند.

**ث- آداب و رسوم:** این دسته از مثال‌ها پندآمیز، اخلاقی،



نهی‌کننده، آمر به معروف و گناه تو صیفی می‌باشند و آشنایی با عادات و مسائل جاری و فرهنگ عامیانه را آموزش می‌دهند.

مثل: «به آب و آتش میزنه» کنایه از زرنگی و فعال بودن است، «آب ندیده و گرنه شناگر ماهریه» کنایه از نبودن موقعیت مناسب برای انجام کار است، «آب لوله‌کش نون ناکشش» وقتی آب لوله‌کشی به تهران آمده بود، مردی از دیار دماوند پیش‌بینی خود را چنین بیان داشت که وقتی آب لوله‌کشی می‌شود نان هم دیگر با معیار کشیدن سنجیده نمی‌شود، «کوزه نو آب خنک داره» یا «آب زیرکاه» اگر به جزئیات لشگرکشی‌های ممالک آسیایی خاصه ایران در زمان‌های گذشته توجه کنیم، به این نکته بر می‌خوریم که موضوع آب زیر کاه جزء حیل‌های جنگی بوده و بیشتر در مناطق باتلاقی و شالیزاری مثل گیلان و مازندران معمول بوده است. (پرتوی آملی، بی‌تا: ۱۴)

یا اینکه «از طالع زن اوستا آب جو ایستاد» (از شانس بد زن استاد، آب جوی ایستاد) این مثل نشانگر اعتقاد مردم به شانس و طالع است در حدی که حتی آب جوی و جریان آن تحت تأثیر شانس و طالع افراد است بخصوص هر جا که فرد خود را مقهور طبیعت می‌بیند تقدیرگرایی توجیهی بر آن است یا «زنه آب را ریخته می‌گه روشناییه» که نوعی توصیف با توجیه مثبت است.

**ج- قواعد و قوانین:** در برخی مثل‌ها قواعد و قوانین عرفی منعکس است که گاه به عنوان یک حکم واقعاً قانونی استفاده می‌شود. این سری مثل‌ها هم کارکرد آموزشی دارند مانند «دنیا مثل آب میاد میره» یعنی دنیا مانند آب همیشه در حال گذر است، «هر که خوابه حصه‌اش به آبه» یعنی هرکس خواب باشد از قسمت و روزی بی نصیب می‌ماند، «ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه‌س» برای شروع کار هیچ وقت دیر نیست، «کوزه به راه آب می‌شکنه» یعنی گاهی آب کوزه را می‌شکند که معادل جام در آب می‌شکند (مثل تاجیکستانی) می‌باشد.

«آبشون توی یک جوی نمی‌ره» این مثل زمانی استفاده می‌شود که بین افراد توافق نباشد. در گذشته که آب شهرها لوله‌کشی نشده بود سکنه شهر برای تأمین آب مورد نیاز خود از جوی‌های سرباز استفاده می‌کردند تا انبارهای خود را پر کنند. کسانی که هم جوی بودند معمولاً از هم راضی نبودند و عدم رعایت تقدم و تأخر موجب

مشاجرہ می‌شد. (همان) «آب که ریخت جمع نمی‌شه» بحث آبروست یا «حوضی که آب نداره، قورباغه لازم نداره» که کنایه از وجود بی‌ارزش در کنار ارزشمند است، یا «آب میون دلش تکون نمی‌خوره» منظور آرامش است، «صفای خانه آبست و جارو، جلای دختر چشم است و ابرو». گویا آب عنصری است که می‌تواند انرژی مثبت، طراوت و صفا را به ارمغان بیاورد یا مثلی که به عنوان پند و اندرز بیان می‌شود «گل گیوه‌ات را آب بزن» به معنای این است که تنبلی را کنار بگذار. «آب بر آسمان برانداختن» که به معنی بسیار خشمگین شدن است. (دهخدا، ۱۳۷۹: ۳)

در ورای این مثل‌های مبتنی بر باورها اندیشه توانا بودن به شرط خواستن مطرح است. باورها می‌توانند چنان انسان را محصور خود سازند که به صورت انسانی اسیر و بی‌اراده درآید و از طرفی قادرند همانند پشتوانه‌ای محکم برای افراد باشند. قدرت اسطوره و باورها و همچنین رهایی از آنها اجتناب‌ناپذیر است پس شایسته است از این قدرت در جهت همنوایی با محیط و تسلط بر ناملازمات و کمبودها بهره‌مند شد و این جز با شناخت بیشتر و شرایط مکانی انتخاب ممکن نیست.

### منابع

۱. اخوان بهبهانی، محمد، اسطوره‌های آب در همایش آب، تهران: سازمان میراث فرهنگی (۱۳۸۱).
۲. اسدیان خرم‌آبادی، محمدحسین و دیگران، باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و علوم اجتماعی (۱۳۵۸).
۳. پرتوی آملی، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، تهران: هنر و مردم (بی‌تا).
۴. دهخدا، علی‌اکبر، امثال و حکم، چ یازدهم، تهران: امیرکبیر (۱۳۷۹).
۵. روح الامینی، مبانی مردم‌شناسی، چ ششم، تهران: پیام نور (۱۳۷۷).
۶. فرید، محمدصادق، مبانی انسان‌شناسی، تهران: پشتون (۱۳۸۰).
۷. گیرشمن، رومن، هنرایران، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب (۱۳۵۰).
۸. منصوری، مریم، بررسی مردم‌شناختی مردم آبسرد دماوند، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران مرکز (۱۳۸۳).